



Comparative Study of Lawyer's Role in Preliminary Investigations in Iran and UK

Amin Amirian ^{*1}, Mahshid Yaraghi ²

1. Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Law, Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-25

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8180-3689

TELL: +989134321303

Email: amirian.amin@yahoo.com

Article history:

Received: 09 Oct 2023

Revised: 20 Nov 2023

Accepted: 10 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Lawyer, Preliminary
Investigations, Iran, UK.

ABSTRACT

One of the founding principles of fair trial lawyer in the right to stage is a preliminary investigation. In the Criminal Procedure Code of 2013, this important right has been referred to as a new invention and the absence of a lawyer in preliminary investigations has led to the invalidity of the investigations. A comparative study of the presence of a lawyer in the preliminary investigation phase with the UK legal system has been carried out as a research work and the researcher has concluded that Iran has not only accepted this right like the Countries of the United Kingdom, but has gone one step further and at the beginning of the arrest has recognized this important right for the accused.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Amirian, A & Yaraghi, M (2023). "Comparative Study of Lawyer's Role in Preliminary Investigations in Iran and UK". *Journal of International Criminal Law*, 1(4): 17-25.



مقدمه

مقنن پیش از انقلاب جهت رعایت هرچه بیشتر حقوق متهم با ترافعی کردن مرحله تحقیقات مقدماتی و تجویز شرکت و حضور وکیل مدافع متهم در دادسرا و مرحله مقدماتی تحقیقات تبصره‌ای را در سال ۱۳۳۵ به ماده ۱۱۲ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب سال ۱۲۹۰ الحاق نمود که مقرر می‌داشت «متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم و یا اجرا و قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد.» بدین گونه نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران به‌طور محدود قانونی و نمایان شد. تا قبل از تصویب این تبصره هیچ مقررات خاصی در مورد شرکت و حضور وکیل مدافع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران مجاز شناخته نشده بود و عملاً قانون سکوت داشت لذا قضات دادسرا تا قبل از وضع و الحاق تبصره موصوف از حضور و مداخله وکلای مدافع متهم مخالفت می‌کردند و عملاً حقوق متهم به‌طور شایسته و بایسته رعایت نمی‌شد. این تضمین مهم که از مصادیق امروزی حقوق متهم به‌شمار می‌آید در قانون مقرر شده است. لذا این تبصره امیدی را برای داشتن وکیل از ناحیه متهم ایجاد نمود. اما با بررسی و تدقیق آن به نظر می‌رسد که باز آنگونه که بایستی متهم را همانند شاکی از داشتن حقوق متناسب برخوردار کند، کمی به دور مانده و به‌طور محدود و ناقص این غرض مهجور مانده است.

تجویز و تأیید شرکت و حضور یک وکیل دادگستری را در معیت متهم، جهت دفاع در ضمن تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس بسیار مناسب بوده و البته از جهت روان‌شناسی قضایی یک آرامش و قوت قلب برای متهم نیز بوده است که در مرحله دادسرا در اثنای بازجویی و تحقیقات مقدماتی متهم می‌تواند یک وکیل همراه خود داشته باشد نشانگر آن است که در آن زمان واضع قانون کیفری به نظام‌های حقوقی و

قضایی و قانون کیفری جوامع صنعتی و پیشرفته دنیا توجه کافی داشته است و با الحاق این شق تبصره مزبور تساوی را در میان اصحاب دعوی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی ایجاد نماید.

شرکت و حضور وکیل مدافع متهم جزء حقوق و قواعد ارزشمندی است که در نظام حقوق کیفری جوامع پیشرفته اعمال می‌شود و قانون‌گذار نیم قرن پیش قابل تحسین و تقدیر است. با توجه به تقریر و تصویب و الحاق این تبصره قدمی مهم و به‌سزا در رعایت برخی از حقوق بدیهی فرد منتسب به بزه برداشته شده و اولین بار حضور و شرکت هرچند محدود وکیل مدافع متهم آن‌هم در مرحله مقدماتی و ابتدائی در همه جرایم به‌طور متناسب تجویز و تأیید قانونگذار آن وقت گردید و همین موجب گردید که دادسراها و قضات آن نیز با روی خوش و اجرای قانون با متهم و وکلای آنها در مرحله بازجویی (تحقیقات مقدماتی) برخورد نمایند، لذا از آن طرف نیز حدود اختیارات وکلا نیز بیشتر شده و با شرکت و حضور مرحله تحقیقات مقدماتی که در فرآیند دادرسی کیفری بسیار مهم بوده از آزادی عمل بیشتر و نامحدودتری برخوردار شدند و توانستند با در نظر گرفتن حقوق متهم و عدالت به وظیفه اصلی خویش احقاق حق و استقرار عدالت اقدام نمایند.

نکته قابل توجه اینکه علاوه بر تجویز حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات مقدماتی این موضوع در تمامی بزه‌ها بدون هیچ استثناء یا قید و شرط پذیرفته شده بود. یعنی وکیل مدافع متهم در تمامی جرایم چه جرایم علیه اشخاص و اموال و مصالح عمومی و امنیت کشور و غیره حق شرکت و حضور داشته است و هیچ قید و شرطی از این حیث در تبصره مذکور نیامده بوده است. به عبارت بهتر این تضمینی برای رعایت حق داشتن وکیل مدافع در تمامی مراحل دادرسی کیفری و در تمامی بزه‌ها بوده است. این در حالی است که مقررات بعدی توسط قانونگذاران بعدی در این خصوص محدودیت شرکت وکیل مدافع را به‌وجود آورده است که به تشخیص مقام تحقیق کننده در جرایم امنیتی و جرایمی که باعث افساد

گردد حضور وکیل مدافع محدود می‌شود که از عجایب قانونگذاری کیفری بوده و رعایت حقوق متهم از جمله حق داشتن وکیل مدافع در تمامی مراحل دادرسی را به شدت در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد.

درخصوص شق دیگر تبصره مذکور مبنی بر اینکه وکیل مدافع متهم بدون حق مداخله پس از اتمام تحقیقات جهت کشف حقایق یا اجرای قانون و دفاع از متهم مطالبی را اگر لازم بداند به بازپرس تذکر دهد که در صورت جلسه منعکس خواهد شد، لازم به ذکر است که متأسفانه قانون‌گذار مربوطه ضمانت اجرایی برای موارد ممانعت دادسرا از حضور وکیل مدافع در جلسات تحقیق از متهم منظور نکرده است بلکه عدم دخالت و دفاع آزادانه در جایی که دلایل علیه متهم اقامه شده به‌طور نامناسبی در این تبصره جای گرفته است. حضور وکیل مدافع در معیت متهم در تحقیقات مقدماتی بدون مداخله و دفاع جهت برائت موکل خویش تقریباً کاری ناقص و حقی غیر تام می‌باشد؛ هرچند تحقیقات مقدماتی بیش از پیش جنبه ترافعی به خود گرفته و از جنبه تفتیشی بودن خارج شده است. تبصره مذکور نیز این هدف و غرض را به دنبال داشته و یک روش بینابین را محقق کرده است. مع‌الوصف این مقررات به‌طور مناسب تقریر و تصویب نگردید؛ از یک‌طرف حضور وکیل مدافع را جایز دانسته و از طرفی دفاع و دخالت و اقامه دلایل جهت برائت متهم را در اثنای تحقیقات محدود کرده است. فقدان اجازه دفاع و صرفاً اتکاء به دادن تذکرات لازم به بازپرس و مرحله تحقیقات، هدف حضور وکیل مدافع و دفاع او از موکلش را محقق نخواهد کرد.

اصولاً اقامه دلایل برائت و اثبات بی‌گناهی متهم توسط وکیلش در هر زمان که لازم باشد بایستی صورت بگیرد چه در اثنای تحقیقات و چه در انتهای محاکمه و غیره. دفاع محدود به زمان و مکان نمی‌باشد؛ آزادی دفاع آن‌هم از یک فرد صرفاً منتسب به گناه مقید به شرط نمی‌باشد. خلاف این، یعنی تحدید حقوق متهم و از جهتی فلسفه و حکمت وکالت و

ضمن دفاع مخدوش خواهد شد؛ لذا از حیث قانونگذاری عدم دخالت و دفاع وکیل متهم هر چند با داشتن حق حضور و شرکت در تحقیقات مقدماتی با توجه به ترافعی شدن تحقیقات مقدماتی و قدم برداشتن در این زمینه صحیح نبوده و با اصول اولیه حقوق کیفری سازگاری ندارد. اینکه در مرحله مقدماتی تحقیقات می‌بایست خود متهم پاسخ دهد به معنای این نیست که وکیلش با ارائه توضیحات و دفاع در اثناء بازجویی موجبات اختلال و فساد در پرونده و در فرآیند تحقیقات ایجاد کند و کفایت به تذکر قانونی دادن هرگز با حکمت و فلسفه دفاع از حقوق یک فرد بی‌گناه موافق نخواهد بود. صرفاً حضور و شرکت در جلسه بازجویی یا تحقیقات مقدماتی دفاع از متهم نبوده و رعایت حقوق او نیز نخواهد بود. ناظر بودن بدون دفاع کردن و دیدن آنچه که بازپرس از متهم فرد ناآگاه و بی‌سواد از علم حقوق تحقیقات می‌نماید و غالباً نیز اصل بر گناه کار بودن فرض می‌شود آیا با فلسفه دفاع موافقت و سازگاری دارد؟ صرف حضور و نظارت کار عبث و بیهوده است. در قوانین کیفری سایر کشورها وضعیت بهتری برقرار بوده است، به‌طوری‌که در کشور فرانسه وکیل متهم در اثناء تحقیقات حق دخالت کردن و دفاع از موکل خود را داشته و در قانون کشور فرانسه و انگلستان نیز این موضوع به خوبی پیش‌بینی شده به‌طوری‌که در مراحل قبلی از تحقیقات مقدماتی و در مرحله تحت‌نظر بودن نیز مقرر گشته است. با این وصف به بررسی حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی سه نظام ایران، انگلستان و فرانسه پرداخته شده است

۱- جایگاه وکیل در نظام حقوقی و عدالت کیفری

با توجه به اینکه قانونگذار در مقام بیان تعریف «حق انتخاب وکیل از سوی متهمان» بوده و درعین حال قیود مذکور در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری را مطرح نکرده، می‌توان گفت که قیود مبهم ماده ۱۲۸ نسخ شده و حق انتخاب وکیل به‌طور مطلق در تمام مراحل دادرسی برای متهم پیش‌بینی شده است.

در اسناد و مقررات متعدد بین‌المللی بر حق استفاده متهم از معاضدت وکیل دادگستری در فرآیند دادرسی تأکید و تصریح شده است. اسناد معتبری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۶)، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (مواد ۱۸، ۱۹، ۲۰)، اعلامیه جهانی حقوق کودک (مواد ۲، ۳، ۳۷)، کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان (مواد ۱، ۲، ۴۰)، پیمان رفع تمام اشکال تبعیض نژادی (مواد ۱، ۲، ۵، ۶)، قانون راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و نسل‌کشی (مواد ۵ و ۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مواد ۲، ۵، ۱۰) و... این حق را به رسمیت شناخته‌اند.

همچنین در حقوق داخلی نیز اصل ۳۵ قانون اساسی حق داشتن وکیل را در دادگاه لازم دانسته است. ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۱ مهرماه سال ۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، متضمن حق تعیین وکیل و تکلیف مراجع برای پذیرش آن می‌باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در موارد مختلفی به‌ویژه ماده ۱۲۸، ۱۸۵ و ۱۸۶ به حق استفاده وکیل تصریح شده است.

قانون حقوق شهروندی در موارد متعددی متضمن تکرار و تأکید این حق می‌باشد و در پاره‌ای موارد نیز از جمله قانون الزامی شدن استفاده از وکیل مصوب سال ۱۳۸۴، استفاده از خدمات وکیل اجباری اعلام شد. از دیدگاه حقوق تطبیقی، دخالت وکیل در مراحل مختلف دادرسی، واجد اهمیت خاص می‌باشد. در بسیاری از کشورها مانند بلژیک، آلمان، فرانسه، انگلستان و حتی سوریه، قاضی مکلف است قبل از شروع تحقیقات، متهم را از داشتن حق وکیل مدافع مطلع سازد و مراتب را در صورتجلسه دادرسی درج کند و در صورت انصراف صریح متهم از استفاده از این حق، شروع به استنطاق نماید. در برخی از کشورها، متهم می‌تواند تا قبل از حضور وکیل سکوت نموده و به سؤال‌ها پاسخ نگوید. (خالقی، ۱۳۸۵: ۶).

مذاقه در اسناد مصوب مراجع بین‌المللی درخصوص حقوق بشر به‌طور خلاصه مضمون واحدی از این مطلب به دست می‌دهد که بشر از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید الزاماً و به گونه‌ای مؤثر از آن حمایت گردد. در میان انبوه قوانین کیفری به‌طور قطع و بالأخص مقررات آیین دادرسی کیفری نقش عمده‌ای در بقاء و دوام نظم جامعه ایفاء می‌نماید. (در طی مسیر تحقیقات مقدماتی، ما با سه مسأله مهم روبه‌رو هستیم (مهر پور، ۱۳۷۱: ۹). اولین مسأله، مسأله منافع عمومی است. دومین مسأله احترام به کرامت انسانی و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد. و سومین مسأله، چگونگی ایجاد تعادل بین این دو مهم می‌باشد. چراکه افراد در مقابل قوه حاکمه دارای ضعف و ناتوانی می‌باشند و جبران این ضعف و جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص در سایه قوانین حساب شده و منصفانه آیین دادرسی قابل تصور می‌باشد. از این‌رو وظیفه قانون‌گذار این است که حق دفاع متهم و آثار و لوازم آن که ناشی از حق حیات و آزادی مشارالیه است را به‌عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته و به حمایت از آن بپردازد تا وسایل و امکانات کافی ضمن احترام به آزادی بیان متهم، به منظور تدارک دفاع از اتهام فراهم آید چرا که اذن در شیء، اذن در لوازم و آثار آن نیز خواهد بود.

از قرن‌ها پیش تمامی دانشمندان و فلاسفه با شهامت و شجاعت و با اتکاء به نعمت انسان‌بینی و حرمت گذاشتن به کرامت متهمان و مجرمان که غالباً از افراد بیچاره و بدبخت اجتماع بوده‌اند، فریاد رعایت حقوق متهمان در تمامی مراحل رسیدگی را سر داده‌اند. بر همین اساس رخدادهای تاریخی و انتشار اعلامیه‌های جهانی در راستای حفظ و احترام حقوق بشر و تغییرات و تحولات قوانین و قواعد حقوقی کشورها خوشبختانه با اصول و قواعد انسانی و رعایت شوون اخلاقی افراد متهم در اکثر کشورها پذیرفته و اعمال شود (آخوندی، ۱۳۹۱: ۸۷).

معنوی و رسمی مکلف به اتیان سوگند هستند. بنابر این تعمیم رفتار خلاف اقتضاء قانونی و شرعی به همه وکلاء، دون شأن وکلا است چراکه به نظر می‌رسد تفاوتی میان تحلیف قضات و وکلا که در راستای احترام به قوانین و مقدسات جامعه اسلامی و صیانت از عرض، مال و جان آحاد مردم و سایر اشخاص بر اساس قانون برگزار می‌شود، وجود نداشته باشد ثانیاً، باید این نکته را اشاره کرد که اگرچه وکلا معتمد سیستم قضایی هستند، اما گاه به علت اهمیت پرونده و جنبه‌های امنیتی آن امکان دسترسی وجود ندارد، اما باید گفت فی‌الواقع تشریک مساعی قضات و وکلا می‌تواند عدالت کیفری را به‌نحوی که مطلوب جامعه، بزه‌دید و حتی بزه‌کار باشد فراهم سازد.

نکته‌ای که طلیعه تحولی روبه‌رشد را در نظام کیفری کشور برای جامعه رقم زد، تکلیف ابلاغ و تفهیم «حق همراه داشتن وکیل» به متهم از سوی بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی است که این تکلیف باید قبل از شروع تحقیقات توسط بازپرس انجام شود، به‌طوری که حتی باید این حق در برگه احضاریه نیز قید و به متهم ابلاغ گردد و وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند اظهار کند و البته این اظهارات در صورت‌مجلس نوشته می‌شود (ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک). مهم‌تر اینکه «سلب و یا عدم تفهیم» حق همراه داشتن وکیل به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود (کیان، ۱۳۹۳: ۹۲). به نظر می‌رسد حقاً ضمانت اجرای شدید و مفیدی برای به رسمیت شناختن آن حق از سوی قانون‌گذار اشعار یافته و به نوعی خود این امر مؤید نقش تعیین کننده وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است که به‌صورت علیحده مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. حتی قانون‌گذار مقرر داشته، در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون از سوی بازپرس، وکیل می‌تواند به وی تذکر دهد (تبصره ماده ۹۵ ق.آ.د.ک). توجه قانون‌گذار به همراهی وکیل با متهم تا آنجا پیش رفته است

همان‌طور که سابقاً ذکر شد قوانین موضوعه کیفری کشور ما نیز از رعایت و اعمال این اصول انسانی و اخلاقی به دور نمانده است و به‌طور ناقص و نه کامل در قوانین داخلی کیفری قابل مشاهده است که همچون حقوق شاکی، حقوق متهم نیز قابل احترام باشد. از همین روی شایسته است در تمامی مدت و زمان انجام تحقیقات مقدماتی توسط قضات ذیربط بایستی این اصول اخلاقی و انسانی رعایت گردد و هیچ گاه اصل برائت و توسعه دامنه آن فراموش نشود. از مهمترین قسمت یک دادرسی عادلانه کیفری مرحله تحقیقات مقدماتی و حضور اصحاب دعوی علی‌الخصوص متهم در آن زمان می‌باشد و ضرورت رعایت حقوق متهم را ظاهر و بارز می‌کند.

۲- وکیل مدافع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی قانون سال ۱۳۹۲

از مهم‌ترین تحولات ایجادی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که به محض اینکه شخصی به‌عنوان متهم تحت‌نظر قرار گرفت می‌تواند «درخواست ملاقات با وکیل مدافع» را داشته باشد. در این ملاقات که نباید پیش از یک ساعت به طول بیانجامد، لازم است به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دقت شود و در پایان وکیل مدافع می‌تواند نکاتی که تأمین کننده حقوق موکلش باشد را کتباً برای درج در پرونده ارائه نماید (فرهی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). متنبهی اگر شخصی به علت ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته یا جرایم علیه امنیت کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا جرایم موجب مجازات، سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل و یا بیش از آن، تحت‌نظر قرار بگیرد؛ امکان ملاقات با وکیل را تا یک هفته پس از شروع تحت‌نظر قرار گرفتن ندارد (تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک).

این مقرر قانون‌گذار خلاف شأن وکیل مدافع است زیرا اولاً، وکلا برای بر تن کردن کسوت شریف وکالت طی تشریفات

که چنانچه متهم در جرایم موجب مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدام به معرفی وکیل نکند، لازم است بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب نماید. (تبصره ۲ ماده ۱۹۰)

با وضع ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ابتکارات قانونی اخیر به نوعی نادیده انگاشته شده و یا حداقل تعدیل گردیده، به‌طوری که ماده این چنین اشعار کرده است: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند».

در خاتمه می‌توان گفت که در مجموع، قانون جدید آیین دادرسی کیفری خصوصاً در توجه به حقوق اشخاص در به همراه داشتن وکیل مدافع تکامل قابل قبولی یافته و امید است با مساعدت بیشتر تشکیلات قضایی کشور با وکلا، منویات قانونگذار در تحقق عدالت کیفری و کشف حقیقت با سرعت بیشتری تأمین گردد

۳- جایگاه وکالت در کشور انگلستان

انگلستان پس فتح نرمن در ۱۰۶۶ از نمونه رومی متأثر شد و روحانیانی که خدمت‌گزاری نرمن و پادشاهان خانواده پلانتاژنت را می‌کردند - و هم آنان، نخستین قضات بودند- تکوین یک حرفه حقوقی را ممکن ساختند و به‌طور خاص نمایندگی در دعا را پذیرفتند. تنها در دادگاه‌های کلیسایی و دریاسالاری بود که به هر روی، دستیاران و تحصیل‌کردگان حقوق شرعی و مدنی توانستند فرصت کارگزاری دادگستری را به دست آورند. نظام محلی کامن‌لا توسط یک جامعه ویژه حقوقی یعنی کانون‌های وکلا در لندن شکل گرفت. از همین کانون‌ها بود که به واسطه کارآموزی و خطابه‌ها، اشخاص می‌توانستند جواز اشتغال به وکالت در برابر محاکم سلطنتی را

دریافت دارند. به‌طور ویژه‌تر، آن‌ها می‌توانستند به سمت گروه‌بانی^۱ - که رفیع‌ترین جایگاه در میان وکلا بود- نائل شوند که صرفاً از میان همین گروه، پس از حدود ۱۳۰۰ میلادی، قضات شاهی منصوب شدند (Anson, 1945: 65).

شاه ادوارد اول که در دهه‌های پایانی قرن سیزدهم، بذر شکل اولیه وکالت مدرن را از طریق اصلاحات حقوقی در انگلیس کاشت. گروهی که اتورنی^۲ خوانده شدند، به تجویز قانون، در کانون‌های وکلا با کارآموزانی که در این هنگام بریستر^۳ نامیده می‌شدند، شریک شدند. وقتی در قرن شانزدهم دادگاه صدارت عظمی به‌عنوان تأمین‌کننده انصاف تأسیس شد، مقام مجاز برای حضور در دادرسی سولیسیتر^۴ نامیده شد؛ اما گروه‌بانی‌های کامنلا و بریسترها حق وکالت در این دسته از محاکم را برای خود محفوظ داشتند (Mechem, 1952: 74).

وضع بر همین منوال بود تا در قرن هفدهم اتورنی‌ها و سولیسیترها از کانون‌های وکلا خارج شدند و تفکیک میان ادوکیته^۵ و اتورنی روشن‌تر شد و بالاخره در قرن هجدهم بود که بریسترها قاعده‌ای را پذیرفتند که بر اساس آن تنها همراه با یک اتورنی حق وکالت دارند و نه به صورت منفرد و با أخذ مستقیم وکالت از موکل. روش‌های دیگر وکالت نیز در انگلستان شکل گرفت اما در قرن نوزدهم همه وکلایی که در گروه بریسترها قرار نداشتند، تحت عنوان سولیسیتر درآمدند. مقام گروه‌بانیان لغو شد و تنها بریسترها ماندند که از میان آنها ارشدترین می‌تواند مشاور شاه (یا ملکه) باشد (Reynolds, 1966: 82).

در آخرین تحول، حرفه‌ای شدن وکالت در نظام حقوقی انگلستان شباهت‌هایی به وکالت اروپایی پیدا کرد؛ به‌ویژه به آنچه در شمال فرانسه در جریان بود (Bowstead, 1985:)

^۱ - Sergeant

^۲ - Attorney

^۳ - Barrister

^۴ - Solicitor

^۵ - Advocate

می‌دهد و به عبارتی تحقیقات مقدماتی بدون اعمال نظر سیستم قضایی به تحقیقات می‌پردازد.

۳-۲- جایگاه وکیل مدافع متهم در تحقیقات مقدماتی کشور انگلستان

در ۱۹۸۴ ماده ۵۸ قانون پلیس و ادله کیفری انگلستان به‌طور قطعی برای متهم حق بهره‌مندی از یک وکیل مدافع حتی در اداره پلیس (در مرحله قبل از تحقیقات مقدماتی) را مورد موافقت قرار داد. به‌طوریکه متهم می‌تواند از مشاوره یک وکیل (مشاوره حقوقی) از لحظه‌ای که بازداشت وی در اداره پلیس آغاز می‌شود بهره‌گیرد و باید این حق به وی نیز تفهیم شود (Sparka, 2010: 41) و نیز این امکان وجود دارد که متهم وکیل خود را در طی بازجویی‌ها معرفی نماید. حتی پلیس نیز در مراحل بازجویی‌های اولیه و تحت‌نظر بودن، نمی‌تواند وکیل (مشاوره حقوقی) متهم را نپذیرد و بایستی تمامی مساعدت‌ها و اجازه‌های لازم را اعمال کند و حتی اگر بدون حضور وکیل متهم اقدام به بازجویی نماید توسط قاضی دادگاه تمامی صورت‌جلسات تنظیمی پلیس باطل خواهد شد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۵۹). بنابراین ملاحظه می‌شود که در کشور انگلستان درخصوص شرکت و دخالت وکیل مدافع متهم راهکار و شیوه نامحدودی را انتخاب کرده است.

نتیجه‌گیری

قاعده رجوع جاهل به عاقل در تمامی امور اقتضاء می‌کند که انسان به شخصی که دارای اطلاعات تخصصی در موضوع مورد نظر است مراجعه نماید. از سویی عدالت قضایی حکم می‌کند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی، به‌ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است، متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است از وجود وکیل مدافع برخوردار شود. در قانون سابق امکان مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی وجود نداشت ولیکن یکی از نوآوری‌های قانونگذار در قانون جدید اصلاح این محدودیت است تا متهم با بهره‌مندی از حضور

56). یکی از این تفاوت‌ها که با این نوشتار ارتباط بیشتری دارد به تقسیم‌بندی وکلا باز می‌گردد: تفکیک میان بریسترها و سولیسترها در نهایت بسیار پررنگ‌تر از طبقه‌بندی است که در نظام حقوقی اروپای قاره‌ای میان ادوکیست و دستیار شاهدیم؛ چه آن‌که علیرغم نظام انگلیسی، هم ادوکیست و هم دستیار حق دارند مستقلاً و به‌طور مستقیم با مراجعان عقد وکالت ببندند. یکی دیگر از این تفاوت‌ها به وجود یا فقدان نقش دفتر اسناد رسمی باز می‌گردد: انگلستان برخلاف اروپای بری هرگز حرفه‌ای با عنوان سردفتر تعریف نکرد و در نتیجه بار مسؤولیت این نقش به تاملت بر عهده سولیستری‌هایی قرار دارد که از کانون وکلا مجوز دارند.

۳-۱- جایگاه تحقیقات مقدماتی در کشور انگلستان

در کشور انگلیس سیستم تحقیقات مقدماتی توسط پلیس و به نظارت و سرپرستی چند نفر وکیل که بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت وکالتی داشته و تخلف انتظامی مؤثر نداشته باشند، اداره می‌شود و دادگاه هیچ نقشی در تحقیقات مقدماتی ندارند و این موضوع دارای معایب و محاسنی است و اصولاً متهم از بدو دستگیری می‌تواند وکیل داشته باشد و بیشتر از اقرار متهم به اسناد و دلایل علمی و پلیسی توجه می‌شود و پلیس با آموزش‌های گذرانده و کارآگاهان خبره با دلایل اقدام به اعلام جرم می‌نمایند و اصولاً زیاد به اقرار متهم و محکومیت متهم از این جهت خوشبین نیستند و انکار متهم را جزء حق متهم دانسته و اصراری بر اقرار متهم ندارند و اثبات اتهامات وارده در دادگاه‌ها که هیچ ارتباطی با مرجع انتظامی و تحقیقات مقدماتی ندارند برخلاف کشورهای رومی و ژرمنی به خصوص فرانسه و یا کشور ایران که بر پایه نظام اتهامی استوار است و تحقیقات مقدماتی به توسط دادسرا که پلیس نیز زیر نظر دادسرا انجام وظیفه می‌نماید (Fridman, 1995: 54). مع‌الوصف در حقوق انگلستان معتقد هستند که دادسرا جدای از دادگاه تحقیقات را بی‌طرفانه انجام

وکیل بهتر و شایسته‌تر از حقوق خود دفاع کند. البته محدودیت‌ها، کماکان درخصوص جرایم خاص ادامه دارد که امید است این محدودیت‌ها نیز در تدوین قانون بعدی رفع شود. در کشورهای غربی هم چون انگلستان به لزوم دادرسی منصفانه و حضور وکیل در اولین مراحل دادرسی اشاره شده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۱). *آیین دادرسی کیفری ۴*، (اندیشه‌ها). تهران: انتشارات اشراق.
- خالقی، علی (۱۳۹۲). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- فرهی، بابک (۱۳۹۳). *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه.
- کیان، محمد (۱۳۹۳). *تحولات و رویکردهای نوین قانون آیین دادرسی کیفری جدید*. تهران: انتشارات هزار رنگ.
- گودرزی، محمد رضا (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری انگلستان*. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۱). «تزلزل در اعتبار احکام صادره دادگاه‌ها». *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، ۲: ۱-۱۷.

ب. منابع انگلیسی

- Anson, W (1945). *Principles of English Law of Contract and of Agency*. London: Oxford press.
- Bowstead, W (1985). *The Law of agency*. London: Sweet and Maxwell.
- Fridman, GHL (1995). *The law of agency*. London: Butter worth and Coltd.
- Mechem, F (1952). *Outlines of the Law of agency*. Chicago: Callaghan and company.
- Reynolds F.M.B (1996). *Bowstead & Reynolds on Agency*. London: Sweet and Maxwell.
- Sparka, F (2010). *Jurisdiction and Arbitration Clauses in Maritime Transport Law*. Hamburg: N.P.